

اثربخشی برنامه مداخله‌ای کودکان طلاق بر راهبردهای خودکنترلی آن‌ها

حسین زارع^۱، احمد علی‌پور^۲، باقر غباری بناب^۳، زهرا عاصمی^{۴*}

دریافت مقاله: ۹۳/۱۱/۰۵؛ دریافت نسخه نهایی: ۹۴/۰۴/۲۶؛ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۰۵/۱۶

چکیده

هدف: هدف از پژوهش حاضر، تعیین اثربخشی برنامه مداخله ویژه کودکان طلاق بر بهبود راهبردهای خودکنترلی کودکان ۸-۱۲ ساله طلاق بود. **روش:** روش پژوهش نیمه آزمایشی با گروه آزمایش، گروه گواه و با طرح پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری ۳ ماهه بود. جامعه آماری ۱۴۳ کودک خانواده‌های طلاق شهرستان کاشمر در سال ۱۳۹۳ بود که از میان آن‌ها ۴۰ نفر شامل ۲۳ دختر و ۱۷ پسر که معیارهای ورود به پژوهش را داشتند به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و پس از همتاسازی به‌طور تصادفی در دو گروه آزمایش قرار گرفتند. ابزار پژوهش پرسشنامه خودکنترلی ادراک‌شده کودکان هامفری ۲۰۰۰ و ۱۵ جلسه برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان طلاق لی‌کروی (۲۰۰۸) هفته‌ای ۳ بار، هر جلسه ۴۵ دقیقه بود. **یافته‌ها:** یافته‌ها نشان داد اجرای برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان طلاق، میانگین نمرات خودکنترلی شرکت‌کننده‌ها را افزایش داده و نتایج در مرحله پیگیری پایدار مانده است. **نتیجه‌گیری:** این برنامه مداخله‌ای به‌عنوان روشی موثر می‌تواند مورد استفاده نهادهای درگیر با مسئله طلاق قرار گیرد تا با افزایش شاخص‌های خودکنترلی، به کیفیت بهزیستی کودکان، پیشگیری از آسیب‌های روانی فردی و اجتماعی آن‌ها و نیز کاهش زمینه‌های جرم و بزهکاری کمک کند.

کلیدواژه‌ها: برنامه مداخله‌ای، راهبردهای خودکنترلی، کودکان طلاق

۱. استاد گروه روان‌شناسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

۲. استاد گروه روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

۳. استاد گروه روان‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۴* نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری روان‌شناسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

مقدمه

طلاق^۱، پایان زندگی زناشویی و شروع زندگی جدید و مشکلات جدید برای افراد جدا شده است (قهاری و بوالهری، ۱۳۹۳). خانواده به عنوان یک واحد مهم و کوچک اجتماعی، کارکردهای مختلفی دارد. از جمله آن‌ها می‌توان به برآورده کردن نیازهای اولیه، رضایت جنسی، عاطفی، ارتباط با محیط، نقش‌پذیری جنسی، هویت‌یابی، احساس تعلق و فرهنگ‌پذیری اشاره کرد. طلاق و جدایی والدین باعث اختلال در کارکردهای مختلف خانواده می‌شود (کریستا کوپر، ۲۰۱۳). طلاق در فرایند اجتماعی شدن و فرهنگ‌پذیری فرزندان مداخله و آسیب‌های جدی به‌ویژه به کودکان وارد می‌کند اما وجه مشترک این آسیب‌ها، اختلال در خودکنترلی^۲ کودکان آسیب‌دیده از طلاق والدین است (جاسون وهانس مارک، ۲۰۱۱). خودکنترلی نظریه‌ای عمومی است که می‌تواند بسیاری از رفتارها و عملکردهای فرد حتی جرائم او را در همه زمان‌ها تبیین کند. (علی‌وردی‌نیا و یونسی، ۱۳۹۳) سطح خودکنترلی به کیفیت تربیت کودک توسط والدین در سال‌های کودکی اول و نحوه سازگاری و تعامل والدین در دوره‌های کودکی اول و کودکی دوم فرزندان خانواده وابسته است. کودکی که با غفلت و سهل‌انگاری یا با خشونت و تند روی تربیت شده یا شاهد بحران‌های بزرگی در خانواده مانند جدایی والدین باشد؛ معمولاً تکانه‌ای، خطرپذیر، دارای حساسیت پایین و خودکنترلی ضعیف است و معمولاً به راحتی می‌تواند مرتکب رفتارهای مجرمانه شود (حسینی نثار و فیوضات، ۱۳۹۰). زرگر، کاکاوند، جلالی و صلواتی (۱۳۸۹) معتقدند کیفیت تربیت و تعامل والدین، بخش بزرگی از طرح‌واره‌ها و سبک‌های مقابله‌ای کودکان را می‌سازد.

خودکنترلی در هر سطحی می‌تواند به ابعاد درون‌فردی^۳ و میان‌فردی^۴ تقسیم شود. خودکنترلی ضعیف که حاصل ناکارآمد بودن خانواده و ناکارآمدی جامعه‌پذیری فرد است وقتی با نشانگان عزت نفس پایین، وجدان و کنترل درونی کم، احساس درماندگی همراه می‌شود بعد درون‌فردی خود را به نمایش می‌گذارد و وقتی با نشانگان ابراز خشم، شتاب‌زدگی، خودمحوری، فقدان همدلی، خطرپذیری، بزهکاری، رفتارهای تکانشی مطالعه می‌شود حکایت از بعد میان‌فردی خودکنترلی ضعیف دارد (میشل و کوین، ۲۰۱۴). بنا بر تعریف ربکا و مارک (۲۰۱۴) خودکنترلی عبارت از توانایی فرد در شناخت و به کار بستن استعدادها برای کنترل احساسات و هیجان‌ها، رفتار و نیازها در ارتباط با خود و جامعه است. پژوهشگران مذکور خودکنترلی کلی فرد را حاصل سه گزاره خودکنترلی درون‌فردی، خودکنترلی میان‌فردی، و خودسنجی می‌دانند.

-
1. divorce
 2. self-control
 3. individual self-control
 4. interpersonal self-control

اثر بخشی برنامه مداخله‌ای کودکان طلاق بر...

برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان طلاق^۱ برنامه مداخله‌ای پیشگیرانه است که بر عوامل حمایتی مرتبط با کیفیت بخشی و بهزیستی کودکان بعد از طلاق تمرکز دارد، اهداف اولیه این برنامه مداخله‌ای این است که محیط گروهی حمایت‌گری بسازد که کودکان بتوانند در آن، پیوندهای مشترک ایجاد و مهارت‌هایی را کسب کنند که ظرفیت آن‌ها را برای مقابله با تغییرات استرس‌زای طلاق افزایش دهد (پدرو-کارولو آلپرت-گیلیس، ۲۰۱۰). مداخلات کودک محور مانند برنامه حاضر، اساساً بر بهبود توانایی کودک برای مقابله با استرس‌های مربوط به طلاق طراحی شده‌اند و محیط گروهی حمایت‌گری را برای یادگیری و تمرین مهارت‌ها ایجاد می‌کنند. این برنامه که یکی از موفق‌ترین برنامه‌های کودک محور در رابطه با طلاق است، یک برنامه مداخله‌ای ۱۵ جلسه‌ای است به صورت گروهی برای کودکان سن دبستان اجرا می‌شود و بر روی احساسات و تجارب مرتبط با طلاق و افزایش تدریجی عزت نفس تأکید زیادی دارد. این برنامه برای رسیدن به اهداف خود از حمایت اجتماعی، عادی‌سازی احساسات و آموزش و تقویت مهارت‌های مقابله‌ای مانند حل مسئله، ارتباط مؤثر و کنترل خشم استفاده می‌کند (لی کروی، ۲۰۰۸). پژوهش خباز، بهجتی و ناصری (۱۳۹۰) نیز با مطالعه رابطه حمایت اجتماعی و سبک‌های مقابله با تاب‌آوری و کنترل‌گری پسران نوجوان، دریافتند آموزش مهارت‌های اساسی و مفید هیجان‌ها، احساس، تفکر و رفتار می‌تواند نقش مهمی در افزایش تاب‌آوری و خود کنترلی نوجوانان داشته باشد.

شناسایی هیجان‌ها و بروز آن‌ها، شناسایی حوادث قابل کنترل و غیرقابل کنترل، برقراری ارتباط مؤثر، بروز و کنترل خشم و اسنادهای درست در مورد رویدادهای مرتبط با طلاق از جمله مباحثی هستند که در طی جلسات مداخله‌ای مطرح می‌شوند (بورینگ، ۲۰۱۱). از دیگر اهداف برنامه‌های کودک‌محور ویژه کودکان طلاق، سوق دادن به سمت کمال‌گرایی انطباقی است. کمال‌گرایی مثبت یا انطباقی با احساس پیشرفت، کمال، رضایت‌مندی و سلامت روانی و عاطفه مثبت رابطه دارد (رایس و دلو، ۲۰۰۲ نقل از قنبری، جواهری، سید موسوی و ملحی، ۱۳۸۹).

انجسین (۲۰۱۲) میزان تأثیر این برنامه را بر سازگاری کودکان با طلاق والدین‌شان با توجه به نمره خود کنترلی آن‌ها از نظر معلمان، والدین، رهبران گروه و خود کودکان بررسی کرد. به عقیده معلمان، تحمل ناکامی کودکان افزایش و اضطراب آن‌ها نسبت به مدرسه و امتحان کاهش یافته و رابطه آن‌ها با همسالان‌شان بهتر شده بود؛ افزون بر این بیشتر از قوانین پیروی می‌کردند. والدین معتقد بودند که سازگاری کودکان نسبت به طلاق روی هم رفته افزایش یافته است، خود کودکان نیز معتقد بودند که پس از شرکت در این برنامه تا حد زیادی می‌توانند خشم، ترس و رفتارهای آسیب‌رسان به دوستان‌شان را کنترل کنند. همچنین جیانگ (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای که برای تعیین

1. children of divorce intervention program (CODIP)

اثربخشی این برنامه در مقایسه با برنامه مداخله دیگری بنام سازگاری با طلاق^۱ بر خودپنداره و خودکنترلی کودکان ۷ تا ۱۳ ساله انجام دادند اعلام کردند، برنامه مداخله مورد بحث در افزایش خودکنترلی کودکان سهم بیشتری نسبت به برنامه‌های مشابه خود داشته است.

از آنجا که هر ساله تعداد زیادی از کودکان، انحلال ازدواج والدین خود را تجربه می‌کنند و بایستی مجموعه تغییرات زندگی و سازگاری‌های جدید هیجانی را تحمل کنند. لذا هر مطالعه و مداخله‌ای که بتواند در راستای بهزیستی آنان انجام شود، ممکن است بتواند از آسیب‌های جدی‌تر فردی و اجتماعی آن‌ها جلوگیری کند. بنا بر آنچه گفته شد در این پژوهش نیز از برنامه مداخله‌ای ویژه این کودکان، که توسط پدرو-کارول، آلپرت-گیلیس و کوین (۲۰۰۹) بر مبنای آگاهی از خطرات طلاق برای آن‌ها طراحی شده است با هدف تعیین تأثیر برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان طلاق بر خودکنترلی این کودکان استفاده و فرضیه‌های زیر آزمون شد.

۱. برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان طلاق خودکنترلی آن‌ها را بهبود می‌بخشد.

۲. تأثیر برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان طلاق بر بهبود خودکنترلی آن‌ها در مرحله پیگیری پایدار می‌ماند.

روش

روش پژوهش نیمه تجربی، با استفاده از طرح پیش‌آزمون، پس‌آزمون با گروه گواه و پیگیری سه‌ماهه و جامعه آماری ۱۴۳ نفر از کودکان ۸ تا ۱۲ ساله خانواده‌های طلاق شهرستان کاشمر در سال ۱۳۹۳ بود که تعداد ۴۰ نفر از آن‌ها به‌صورت نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. شرایط ورود به نمونه پژوهش، محدوده سن کودک ۸ تا ۱۲ سال؛ انجام طلاق قانونی والدین آن‌ها؛ زندگی کردن کودک با یکی از والدین؛ عدم ابتلا کودک به بیماری مزمن و یا معلولیت جسمانی جدی یا اختلال‌های عمده محورهای روان‌پزشکی؛ حداکثر مدت طلاق والدین ۲ سال و عدم غیبت در دو جلسه متوالی و یا سه جلسه متناوب بود.

ابزار پژوهش

۱. پرسشنامه خودکنترلی ادراک‌شده کودکان هامفری^۲. هامفری در سال ۲۰۰۰ بر اساس مطالعه‌ای در مورد ۳۷۲ پسر و ۳۹۱ دختر از دانش‌آموزان کلاس چهارم و پنجم این ابزار ۱۱ گزینه‌ای را ارائه داد که خودکنترلی را از دیدگاه رفتاری-شناختی و سه جنبه خودکنترلی فردی، میان‌فردی و خودسنجی اندازه‌گیری می‌کند (علی‌زاده، سعیدی و تکلو، ۱۳۹۰). به هر گزینه برحسب این‌که آیا محتوی گزینه، کودک را به‌درستی توصیف می‌کند یا نه به‌صورت معمولاً بله =

1. divorce adjustment program.

2. children's perceived self-control scale (CPSC)

اثر بخشی برنامه مداخله‌ای کودکان طلاق بر...

۱ و معمولاً نه = ۰ پاسخ داده می‌شود. سؤال‌های ۲، ۳، ۴، ۶، ۷، ۱۰ به‌طور معکوس نمره‌دهی می‌شوند. نمره کل آزمون، دامنه‌ای بین ۰ تا ۱۱ دارد و نمره بالاتر نشان‌دهنده خودکنترلی بیشتر است. زیرمقیاس خودکنترلی فردی با سؤال‌های ۱ تا ۴، زیرمقیاس خودکنترلی میان‌فردی با سؤال‌های ۵ تا ۷ و زیرمقیاس خود سنجی با سؤال‌های ۸ تا ۱۱ اندازه‌گیری می‌شود. پایایی این آزمون، با استفاده از روش همبستگی بازآزمایی به فاصله ۲ تا ۳ هفته محاسبه و نمره همبستگی کل ۰/۷۱ و خودکنترلی فردی ۰/۶۳، خودکنترلی میان‌فردی ۰/۶۳ و خودسنجی ۰/۵۶ گزارش شده است (علی‌وردی‌نیا و یونسی، ۱۳۹۳). هامفری برای سنجش روایی آزمون نمره‌های آن را با دیگر پرسشنامه‌های سنجش ادراک خودکنترلی مقایسه و ضرایب همبستگی گشتاور پی‌رسون بین این پرسشنامه و دیگر پرسشنامه‌های موردنظر را بین ۰/۶۵ تا ۰/۷۱ گزارش کرد. علی‌زاده و همکاران (۱۳۹۰) در بررسی رابطه سبک‌های والدینی و مشکلات رفتاری کودکان کانون اصلاح و تربیت شهر مشهد، با استفاده از روش بازآزمایی با فاصله ۱ ماه پایایی آن را ۰/۷۷ و روایی آزمون را با استفاده از مقایسه نتایج سنج‌های دیگر خودکنترلی، ۰/۷۱ به‌دست آورد. در این پژوهش میزان ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه ۰/۸۳ و نمره کلی خودکنترلی کودک مد نظر بود.

۲. برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان طلاق. این برنامه را لی‌کروی (۲۰۰۸) با هدف کاهش آسیب‌های شناختی-رفتاری کودکان طلاق و افزایش کیفیت تعامل و بهزیستی زندگی آن‌ها پس از طلاق طراحی کرد. وی برای اجرای این برنامه، ۱۵ جلسه در چهار بخش نظری به‌شرحی که در شیوه اجرا آمد، پیشنهاد کرد. روایی محتوی این برنامه در پژوهش‌های پدرو-کارول (۲۰۰۹)، اسمیت (۲۰۱۳)، انجسین (۲۰۱۲) ۰/۸۷ گزارش شده است. در این پژوهش این برنامه با اقتباس از کتاب «راهنمای جامع طرح‌های معتبر درمان برای کودکان و نوجوانان» به ویراستاری کریچ وینستون لی‌کروی (۲۰۰۸) در ۱۵ جلسه، هفته‌ای ۳ بار هر جلسه ۴۵ دقیقه به‌شرح زیر اجرا شد. *جلسه اول.* هدف این جلسه فراهم کردن فضائی امن برای مشارکت اعضای گروه در فعالیت‌های گروهی و تعیین یک چارچوب مشخص برای جلسات آتی بود. با معرفی عروسک گروه از اعضا خواسته شد تا با کمک یکدیگر نامی برای این گروه تعیین کنند تا به این طریق همبستگی لازم در بین آن‌ها تقویت شود.

جلسه دوم. به کودکان جهت درک و شناسایی احساسات خود و دیگران کمک شد و کودکان با مفهوم احساسات و احساسات اصلی آشنا شدند تا با افزایش دایره واژگان احساسی خود، قادر به تشخیص احساسات اصلی در خود و دیگران باشند. آن‌ها یاد گرفتند این احساسات جهان‌شمول است و در همه وجود دارد. برای این منظور از وسایل متعددی نظیر پوستر احساسات استفاده شد.

جلسه سوم، مفهوم خانواده توضیح داده شد تا آگاهی و پذیرش کودکان نسبت به خاص بودن برخی از خانواده‌ها افزایش یابد. کودکان دریافتند که خانواده‌ها متعددند و هر خانواده‌ای برای خود منحصر به فرد و خاص است. در این جلسه زمینه‌ای فراهم شد تا اعضای گروه بتوانند در رابطه با خانواده‌های خویش به راحتی صحبت کنند. در این جلسه از کتاب، نقاشی و بازی نقش جهت افزایش آگاهی کودکان در رابطه با گوناگونی خانواده‌ها و پی بردن به ترکیب و ساختار آن‌ها استفاده شد. جلسه چهارم، به کودکان کمک شد مفهوم طلاق را بیشتر درک کنند و سوء تفاهماتی را که آن‌ها در این زمینه دارند از بین ببرند، احساسات و واکنش‌های رایج نسبت به طلاق والدین نظیر انکار، ترس از طرد شدن، احساس گناه و غمگینی را شناسایی کنند. از کتاب‌هایی که در این رابطه نوشته شده است نظیر «وقتی مامان و بابا از هم جدا می‌شوند نوشته مارج هیگارد» و «پدر؛ مادر؛ من اینجام! نوشته کریگ دلبلیو لکروی» استفاده شد.

جلسه پنجم، اعضای گروه با مفاهیم مربوط به حل مسئله اجتماعی آشنا شدند و بر این نکته تأکید شد که روش‌های متعددی جهت حل مسائل وجود دارد. مراحل چهارگانه حل مسئله با تأکید بر ارائه راه‌حل‌های متناوب به کودکان آموزش داده و با نشان دادن پوستری از تصاویر متعدد از کودکان خواسته شد تا در رابطه با هر یک از موقعیت‌هایی که در این تصاویر می‌بینند، راه‌حل‌های متعددی را بیان کنند تا دریابند برای هر مشکلی می‌تواند بیش از یک راه‌حل وجود داشته باشد. جلسه ششم، کودکان تشویق شدند راه‌حل‌های متعددی برای یک مشکل خاص ایجاد؛ تا هر وقت دچار مشکل خاصی شدند، ابتدا سعی کنند آن مشکل را به‌طور دقیق تعریف و سپس راه‌حل‌های متعددی را که به ذهن‌شان خطور می‌کند، بیان کنند. در مرحله بعدی آن‌ها یاد گرفتند که چطور راه‌حل‌های ارائه شده را با توجه به پیامد هر یک ارزیابی و بهترین راه‌حل ممکن را انتخاب کنند. برای تمرین مراحل چهارگانه حل مسئله، از بازی «۱، ۲، ۳، ۴» استفاده شد.

جلسه هفتم، به کودکان آموزش داده شد چه‌طور از مهارت‌های حل مسئله به‌منظور حل مسائل شخصی و مشکلات مربوط به طلاق استفاده کنند. برای این منظور از عروسک گروه استفاده شد و مشکلاتی که عروسک با آن‌ها درگیر بود از زبان درمانگر بیان شد و اعضای گروه راه‌حلی برای آن‌ها پیدا کردند.

جلسه هشتم، به کودکان جهت درک تفاوت بین مشکلاتی که می‌توانند و مشکلاتی که نمی‌توانند حل کنند و همچنین تفاوت بین آرزوها و واقعیت‌ها آموزش داده شد. تا آن‌ها بدانند که حل کردن برخی مشکلات خارج از قدرت و توانایی آن‌ها است و در این صورت احساس ناامیدی، ناتوانی و آشفته‌گی نکنند. همچنین آن‌ها از تفاوت بین آرزوها و باورها آگاه شدند. خیلی از کودکان آرزوی بازگشت دوباره پدر و مادرشان را داشتند، که آموزش داده شد این امر، عملی نیست.

اثر بخشی برنامه مداخله‌ای کودکان طلاق بر...

جلسه نهم. مهارت‌های حل مسئله اجتماعی کودکان تقویت و تحکیم، مفهوم احساسات و پیامدهای هر احساس مرور شد. با انجام یک بازی بسیار لذت‌بخش با کودکان، مهارت‌های حل مسئله آن‌ها به همراه مهارت‌هایی که تاکنون آموخته بودند، تقویت شد.

جلسه دهم. با استفاده از کتاب و نیز انجام یک فعالیت پرسش پاسخ، سعی شد عواطف شخصی کودکان نسبت به طلاق و به‌ویژه والدین‌شان درک و با آن‌ها همدلی شود؛ تا توانایی کودکان برای تشخیص و ابراز احساسات نسبت به والدین و واکنش نسبت به طلاق والدین افزایش یابد.

جلسه یازدهم. با استفاده از عروسک گروه ادراکات و احساسات کودکان نسبت به والدین‌شان و مشکلاتی که در ارتباط با آن‌ها دارند بررسی و به کودکان کمک شد تا احساسات والدین و خودشان را درک کنند. مهارت‌های حل مسئله کودکان نیز جهت حل مسائلی که در بازی با عروسک مطرح می‌شود، بررسی شد.

جلسه دوازدهم. مفاهیم مربوط به طلاق مرور و تحکیم و مشکلات مربوط به والد-کودک بیشتر بررسی شد. در این جلسه با استفاده از بازی «دایناسور باجرات»، مهارت‌ها و مفاهیمی که کودکان تا به اینجا آموخته بودند بررسی شد تا این مهارت‌ها در آن‌ها تحکیم شود.

جلسه سیزدهم. برای تقویت عزت نفس کودکان و افزایش آگاهی کودکان نسبت به خود به‌عنوان افرادی منحصر به فرد و خاص، و برجسته کردن تغییرات مثبتی که در نتیجه طلاق والدین در زندگی کودک ایجاد شده است، هر کودک یک جدول «ویژگی‌های شخصی» را با کمک درمانگر پر کرد. در این جدول، آمال، آرزوها، احساسات و علایق کودکان نوشته شد. تغییرات مثبتی که در نتیجه طلاق والدین در زندگی کودکان ایجاد شده است مورد بحث و بررسی قرار گرفت تا از میزان نگرش منفی آن‌ها نسبت به طلاق والدین، کاسته شود.

جلسه چهاردهم. برای افزایش عزت نفس کودکان بر نقاط قوت آن‌ها در گروه به‌عنوان عضوی از گروه، مثلاً حامی خوب بودن در گروه و یا فردی که قادر به حل مسائل باشد، تأکید شد.

جلسه پانزدهم. بر حمایت گروهی اعضا از یکدیگر علیرغم پایان یافتن جلسات به‌منظور تحکیم روابط بین آن‌ها و پایان دادن به جلسات به نحو مطلوب تأکید شد. کودکان تشویق شدند تا روابطشان را با یکدیگر همچنان حفظ کنند و در مواقع لزوم از یکدیگر و یا دوستان، والدین و افراد مورد اعتماد کمک بگیرند. در پایان جشن مختصری برای گروه برگزار و جایزه‌ای به آن‌ها اهدا شد.

شیوه اجرا. آمار فراوانی پرونده‌های طلاق سال ۱۳۹۳ از شعبه دوم حقوقی دادگاه خانواده شهرستان کاشمر دریافت شد. هر دو گروه آزمایشی و گواه به‌صورت انفرادی و در محیط مدرسه به پرسشنامه خودکنترلی پاسخ دادند. سپس ۱۵ جلسه برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان طلاق لی‌کروی (۲۰۰۸) در محیط پیش‌دبستانی شکوفه‌های کاشمر به‌طور گروهی برای گروه آزمایش اجرا شد. گروه گواه همزمان در اتاق دیگری به برنامه‌های خنثی مثل تماشای تلویزیون، انجام

تکالیف درسی و نظایر آن مشغول بودند. پس از اجرای کامل جلسات و پس از سه ماه از پایان جلسات مداخله، این آزمون به جهت پیگیری ماندگاری نتایج برای هر دو گروه اجرا و نتایج با استفاده از تحلیل اندازه گیری های مکرر تحلیل شد.

یافته ها

۴۰ شرکت کننده پژوهش حاضر، شامل ۱۷ پسر و ۲۳ دختر بودند، میانگین سن شرکت کننده ها ۱۰/۸ سال با انحراف معیار ۱/۲ سال، و میانگین زمانی که از طلاق والدین گذشته بود ۱۱ ماه بود. از این تعداد، ۲۹ نفر با مادر و ۱۱ نفر با پدرشان زندگی می کردند.

جدول ۱. یافته های توصیفی خودکنترلی در سه مرحله پژوهش برای دو گروه

گروه	مرحله	میانگین	انحراف معیار
آزمایش	پیش از آزمون	۳/۸۵	۱/۵۹۸
	پس از آزمون	۷/۴۵	۱/۵۰۳
	پیگیری	۶/۷	۱/۵۶۹
گواه	پیش از آزمون	۶/۶۵	۲/۴۱۲
	پس از آزمون	۶/۱	۲/۳۳۷
	پیگیری	۶/۳	۲/۳۵۸

بر اساس جدول ۱ میانگین نمره خودکنترلی افزایش داشته است. برای استفاده از روش تحلیل کوواریانس ابتدا مفروضه های آن انجام شد.

جدول ۲. طبیعی بودن توزیع نمره های پس از آزمون متغیرها با آزمون کولموگروف-اسمیرنوف

گروه ها	آماره	درجه آزادی	سطح معناداری
آزمایش	۰/۲۷۸	۲۰	۰/۳۰۰
گواه	۰/۲۹۸	۲۰	۰/۳۵۰

جدول ۲ نشان می دهد شرط توزیع طبیعی نمره ها در هر دو گروه رعایت شده است.

جدول ۳. آزمون لوین برای همسانی واریانس ها نمره های دو گروه آزمایش و گواه

F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	سطح معنی داری
۷/۴۶	۱	۲۰	۰/۳۸

جدول ۳ نشان می دهد شرط برابری واریانس های دو گروه رعایت شده است.

جدول ۴. نتایج تحلیل کوواریانس تأثیر برنامه مداخله ای در خودکنترلی دو گروه

منبع تغییرها	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	مجذورات انا
پیش از آزمون	۹/۸	۱	۹/۸	۱۶/۶۲۵*	۰/۳۰۴
گروه ها	۸/۰۶۷	۱	۸/۰۶۷	۲۷/۳۶۹*	۰/۴۱۹
واریانس خطا	۲۲/۴	۳۸	۰/۸۵۹		

* $P < 0.05$ ** $P < 0.01$

اثربخشی برنامه مداخله‌ای کودکان طلاق بر...

بر اساس نتایج جدول ۴ اثربخشی برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان طلاق در بهبود خودکنترلی کودکان گروه آزمایش با گواه اثر پیش‌آزمون تأیید می‌شود.

جدول ۵. آزمون کرویت موخلی جهت بررسی برابری کوواریانس‌ها در متغیر خودکنترلی

آزمون موخلی	خی دو	درجه آزادی	معنی‌داری
۰/۷۲۶	۱۱/۸۵۶	۲	۰/۰۵۳

طبق نتایج جدول ۵ فرض کرویت و مفروضه همگنی ماتریس واریانس-کوواریانس برقرار است.

جدول ۶. تحلیل واریانس اندازه‌گیری مکرر برای مقایسه نمره‌های سه مرحله در گروه آزمایش

مجموع	درجه	میانگین	F	مجذور اتا
مجذورات	آزادی	مجذورات		
۱۰/۶۱۷	۲	۵/۳۰۸	۱۲/۰۰۷*	۰/۲۴
۱۰/۶۱۷	۱/۵۷۰	۶/۷۶۴	۱۲/۰۰۷*	۰/۲۴
۱۰/۶۱۷	۱/۶۶۹	۶/۳۶۳	۱۲/۰۰۷*	۰/۲۴
۱۰/۶۱۷	۱	۱/۶۱۷	۱۲/۰۰۷*	۰/۲۴

* $P < 0.05$ ** $P < 0.01$

جدول ۶ معناداری تفاوت میانگین خودکنترلی گروه آزمایش را در سه مرحله پیش‌آزمون، پس-آزمون و پیگیری نشان می‌دهد.

جدول ۷. آزمون تعقیبی بونفرونی برای متغیر خودکنترلی

پس‌آزمون-پیش‌آزمون	پیگیری-پیش‌آزمون	پیگیری-پس‌آزمون
تفاوت میانگین	تفاوت میانگین	تفاوت میانگین
خطای معیار	خطای معیار	خطای معیار
۰/۱۶۲	-۰/۷*	۰/۱۷۲
-۰/۵۲۵*		-۰/۱۷۵
		-۰/۱۰۳

* $P < 0.05$ ** $P < 0.01$

طبق جدول ۷ تفاوت میانگین پس‌آزمون و پیش‌آزمون و پیگیری با پیش‌آزمون در متغیر خودکنترلی معنی‌دار است، اما تفاوت میانگین پیگیری با پس‌آزمون معنی‌دار نیست که این بیانگر پایداری اثر برنامه مداخله‌ای بر میزان خودکنترلی در افراد گروه آزمایش در مرحله پیگیری است.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد خودکنترلی کودکان آسیب‌دیده از طلاق می‌تواند تحت تأثیر اجرای برنامه مداخله‌ای ویژه این کودکان به‌طور معناداری بهبود و افزایش پیدا کند و این نتیجه ماندگار است. نتیجه پژوهش تسای (۲۰۱۲) همسو با یافته پژوهش حاضر است. او با اجرای این برنامه در

مورد ۲۱ کودک ۱۰ تا ۱۲ ساله بازمانده از زلزله هائیتی ۲۰۰۱، با هدف ارتقاء خودکنترلی آن‌ها، نشان داد این مداخله می‌تواند همه ابعاد خودکنترلی را به‌طور معناداری افزایش دهد. انجسین (۲۰۱۲) نیز با اجرای این برنامه مداخله‌ای در مورد گروهی از کودکان دبستانی با هدف افزایش مهارت‌های اجتماعی، خودکنترلی فردی، خودکنترلی میان‌فردی دریافت این مداخله می‌تواند به‌طور معناداری، راهبردهای خودکنترلی کودکان طلاق را افزایش دهد. همچنین نتایج مطالعات پدرو-کارول (۲۰۱۱)، تیتلولا (۲۰۱۳)، جیانگ (۲۰۱۴) و میشل و کوئن (۲۰۱۴) نیز همسو با نتیجه پژوهش حاضر است.

در تبیین این اثربخشی می‌توان گفت از آنجا که غالب گروه‌های آزمودنی در پژوهش‌های فوق، گروه‌های آسیب‌دیده از جمله کودکان طلاق، بدسرپرست، آلوده به سیگار و بازماندگان زلزله هستند و این برنامه توانسته است خودکنترلی و همبسته‌های آن را در هر گروه، افزایش دهد، بنابراین می‌توان گفت محتوی این برنامه مداخله، ترمیم‌کننده شناخت‌های نامتناسب و تأمین‌کننده نیازهای شناختی ارضا نشده افراد است. در این‌باره، لیشا و دنا (۲۰۰۵) معتقدند که در کودکان آسیب‌دیده، کشف احساسات کودکان، ایجاد محیطی امن؛ حمایت‌گر و باثبات، مدیریت هیجان‌ها مهارت‌های مقابله‌گری، مهارت‌های راهبرد حل مسئله، افزایش عزت نفس کودکان، همه به خود پنداره و خودسنجی فرد و روابط درون‌فردی و میان‌فردی او کمک قابل‌توجهی می‌کند. مروری بر محتوی جلسات و اهداف این برنامه مداخله‌ای نشان می‌دهد که کاملاً با برنامه‌های حمایتی مورد نظر این پژوهشگران، منطبق است. همچنین تعامل مفهوم خودکنترلی و محتوی مداخله حاضر دلیلی دیگر بر چرایی این اثربخشی است به اعتقاد ربکا و مارک (۲۰۱۴) خودکنترلی توانایی فرد در شناخت و به‌کار بستن استعداد‌های خود برای کنترل احساسات و هیجان‌ها، رفتار و نیازها در ارتباط با خودش و جامعه‌اش است. مروری بر شرح برنامه حاضر نیز نشان می‌دهد یکی از نکات مشترک محتوی تمام جلسات مداخله از جلسه اول تا دوازدهم، همگی بر مدار افزایش توانمند کردن کودک در شناخت، به‌کار بستن و کنترل احساسات و هیجان‌های او متمرکز بود.

اما جیانگ (۲۰۱۴) یافته‌ای ناهمسو با یافته حاضر ارائه می‌کند، وی با اجرای برنامه‌های آموزشی گرفته‌شده از این برنامه در مورد ۲۱ کودک اعلام کرد بهبود خودپنداره و خودکنترلی کودکان طلاق با آموزش‌های شناختی-رفتاری و مداخله‌ای کوتاه‌مدت افزایش پیدا نمی‌کند. وی در تبیین عدم تأثیرگذاری مداخله خود می‌گوید که آسیب‌های خانواده‌های متارکه کرده که قبل از آن غالباً ناسازگاری را تجربه کرده‌اند درونی‌شده تر از آن است که با مداخله‌های کوتاه‌مدت و مقطعی، انتظار بهبود داشته باشیم. حسینی یزدی (۱۳۹۲) و ربکا و لاتون (۲۰۱۴) نیز در مطالعه خود نتایجی ناهمسو با یافته حاضر گزارش کرده‌اند. گراسمن و زیمزمن (۲۰۰۲)، نقل از پاکدامن، سید موسوی و قنبری، (۱۳۹۰) معتقدند نوع تعامل فرزندان و میزان خودنظارتی و خودکنترلی آن‌ها در یک دوره

اثر بخشی برنامه مداخله‌ای کودکان طلاق بر...

تحولی و تحت تعامل و رابطه‌های مبتنی بر دل‌بستگی با پدر و مادر ساخته می‌شود، به همین دلیل در تبیین بی‌اثر بودن مداخله‌هایی از این دست اعلام می‌کنند که مداخلات موقت غالباً نمی‌تواند موقعیت‌هایی را که در دوره‌های تحولی ساخته و درونی شده‌اند به راحتی تغییر دهد.

به عنوان نتیجه کاربردی حاصل از پژوهش حاضر می‌توان ابتدا به یافته ریبا و لاتون (۲۰۱۴) اشاره کرد که معتقدند خودکنترلی از مهمترین نشانه‌ها و ابعاد سلامت روان فرد است که ارتقاء آن می‌تواند ابعاد دیگری مثل خودکنترلی میان فردی، خودنظارتی، توانمندی اجتماعی، خودتنظیمی فرد آسیب‌دیده را بهبود بخشد و از این راه بر بهزیستی روانی، افزایش عملکرد مناسب فردی و اجتماعی، کاهش آسیب‌های درونی‌سازی و برونی‌سازی شده او تاثیر بگذارد. در زندگی‌های به دور از معنویت، صنعتی و پردغدغه امروز، دسترسی آسان به فضای مجازی و سایبری آسیب‌رسان، و نیز وجود تضاد و تعارض و گسست ارزشی نسل‌ها، باعث شده پایه‌های خانواده سست، قبح طلاق به آسانی شکسته و روز به روز بر تعداد خانواده‌های طلاق افزوده شود، و از سوی دیگر جرایم مختلف در حوزه‌های فردی و اجتماعی افزایش یابد (حسینی یزدی، ۱۳۹۲). از آنجا که این برنامه مداخله‌ای نشان داد که ایجاد فضای امن و حمایت‌گر، می‌تواند میزان خودکنترلی کودکان آسیب‌دیده خانواده‌های طلاق را افزایش دهد، لذا بر مراکز آموزشی و پژوهشی مرتبط در حوزه آسیب‌های اجتماعی مثل بهزیستی و مددکاری‌های اجتماعی، مراکز آموزشی و پژوهشی، دانشگاهی، متخصصان، روان‌شناسان، مشاوران، خرده‌نظام‌های آموزشی مثل صدا و سیما و کارشناسان آن‌ها، مولفین محترم و سایر دست‌اندرکاران و برنامه‌ریزان است که در تدوین جامع این نوع مداخله‌ها و کاربردی آن همت گمارند.

منابع

- پاکدامن، شهلا، سید موسوی، پریسا سادات. و قنبری، سعید. (۱۳۹۰). کیفیت دل‌بستگی و مشکلات رفتاری- هیجانی در نوجوانان. *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*. بهار، ۱(۱۷): ۸۵-۱۰۰.
- حسینی نثار، مجید. و فیوضات، ابراهیم. (۱۳۹۰). نظریه‌های انحرافات اجتماعی. تهران: نشر پژوهش.
- حسینی یزدی، سیده عاطفه. (۱۳۹۲). *اثر بخشی CODIP بر کاهش مشکلات درونی‌سازی و برونی‌سازی شده و افزایش خود پنداره کودکان طلاق*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. رشته روانشناسی بالینی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه فردوسی.
- خباز، محمود، بهجتی، زهرا. و ناصری، محمد. (۱۳۹۰). رابطه حمایت اجتماعی و سبک‌های مقابله، با تاب‌آوری در پسران نوجوان. *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*. زمستان، ۴(۲۰): ۱۰۸-۱۲۳.

خوش کنش، ابوالقاسم، اسدی، مسعود، شیرعلی پور، اصغر. و کشاورز افشار، حسین. (۱۳۸۹). نقش نیازهای بنیادین و حمایت اجتماعی در سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان مقطع متوسطه. *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*. بهار، ۱(۱۳): ۸۲-۹۴.

زرگر، محمد، کاکاوند، علی‌رضا، جلالی، محمدرضا. و صلواتی، مؤگان. (۱۳۹۰). مقایسه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و رفتارهای مقابله‌ای اجتنابی. *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*. بهار، ۱(۱۷): ۸۴-۶۹. علی‌زاده، ابوالفضل، سعیدی، مسعود. و تکلو، امیرعلی. (۱۳۹۰). بررسی رابطه سبک‌های والدگری و مشکلات رفتاری کودکان کانون اصلاح و تربیت شهر مشهد. تهران: پژوهشکده کودکان استثنایی. *علی‌وردی‌نیا، اکبر. و یونسی، عرفان. (۱۳۹۳). تأثیر میزان خودکنترلی بر ارتکاب جرم. مجله علمی-ترویجی راهبرد فرهنگ*. ۳(۲۶): ۴۳-۳۷.

قنبری، سعید، جواهری، عابدین، سید موسوی، پریسا سادات. و ملحی، الناز. (۱۳۸۹). رابطه بین ابعاد کمال‌گرایی دانشجویان و روابط مثبت آن‌ها با دیگران. *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*. زمستان، ۴(۱۶): ۷۲-۸۴.

قهراری، شهربانو. و بوالهری، جعفر. (۱۳۹۲). *مشاوره‌ی طلاق*. تهران: نشر قطره. گل پرور، فرشته، میر نسب، میر محمود. و فتحی آذر، اسکندر. (۱۳۸۹). اثربخشی آموزش خودنظارتی توجه بر عملکرد حل مسئله دانش‌آموزان پسر. *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*. پاییز، ۳(۱۵): ۵۴-۴۱.

- Angacian, S. (2012). *School-based intervention for social skills in children from divorced families*. Third edition. United States.
- Bowring, J. (2011). *Evidence-Based Counseling Intervention with Children of Divorce: Implications for elementary school counselors*. United States: Hilton University Press.
- Christa, Cooper. S. (2013). Adult children of divorce: Awareness and intervention. *Journal of Divorce & Remarriage*, 54: 271-281.
- Dahl, S., Hansen, H., & Vignes, Bo. (2015). His, her, or their divorce? *Journal of marriage and family*, 77(2): 461-479.
- Jason, D., & Hans Mark, A. (2011). *Children of divorce: Experiences of children whose parents attended a divorce education program*. New York, Lond, Ny. 10110.
- Jiang, Z. (2014). *Children in the Middle: Evaluation of a divorce education program*. London, University of psychology.
- LeCroy, C. (2008). *Handbook of evidence-based treatment manuals for children and adolescents*. Second edition, Oxford Press.
- Leasha, M. & Dana, L. (2005). *Behavioral self-control strategies for young children*. University of West Florida.
- Michelle, A., & Coyne, J. (2014). The stability of self-control across childhood. *The Journal of Personality and Individual Differences*. 69(2): 144 - 149.

- Pedro-Carroll, J. (2011). *How parents can help children cope with separation/divorce*. Encyclopedia on Early Childhood Development, 1-10.
- Pedro-Carroll, J., & Alpert-Gillis, L. (2010). *A two-year follow-up evaluation of a preventive intervention program for young children of divorce*.
- Pedro-Carroll, J., & Alpert-Gillis, L., & Cowen, E. (2009). An Evaluation of the efficacy of a preventive intervention for 4-6 grade urban children of divorce. *The Journal of Primary Prevention*, 13(2): 115-130.
- Rebekah, L., & Layton, Mark. (2014). Self-control linked with restricted emotional extremes. *The Journal of Personality and Individual Differences*. 58(4): 48-53.
- Tsai, K. (2012). Examining gender differences in self control. *The International Journal of Social Sciences*, 13(1): 115-122.
- Titilola, A. (2013). Therapeutic Strategies (Resiliency & Self-Control) in Reducing Late. Adolescents' Risky Smoking Behaviour in Oyo State, Nigeria. *International Journal of Psychological Studies*, 5(2): 79-91.

پیوست ۱. مقیاس خودکنترلی ادراک شده کودکان CPSC

معمولاً نه	معمولاً بله	سوال
•	۱	۱. وقتی مشغول انجام کاری هستم اگر کسی مزاحم من شود به او توجهی نمی‌کنم.
•	۱	۲. زمانی که معلم مشغول درس دادن است با دوستانم صحبت می‌کنم.
•	۱	۳. زمانی که شخصی مرا هل دهد با او دعوا می‌کنم.
•	۱	۴. زمانی که مشغول انجام کاری هستم به چیزها و کارهای دیگر فکر می‌کنم
•	۱	۵. وقتی دوستانم مرا مسخره می‌کنند ادامه انجام کارها برایم دشوار می‌شود.
•	۱	۶. انتظار کشیدن برای چیزی که می‌خواهم برایم سخت و دشوار است.
•	۱	۷. چون خیلی تند و سریع کار می‌کنم زیاد اشتباه می‌کنم.
•	۱	۸. وقتی کاری را اشتباه انجام می‌دهم بدون این که کسی به من بگوید خودم متوجه می‌شوم.
•	۱	۹. اگر کارم سخت باشد آن را رها کرده و کار دیگری انجام می‌دهم.
•	۱	۱۰. وقتی کاری را انجام دادم برایم سخت است که بگویم در آینده چکار خواهم کرد.
•	۱	۱۱. اگر کاری را دوست نداشته باشم تمام کردن آن برایم دشوار است.
